

# خاطرهء از ملاقات با رئيس جمهور سوریه حافظ الاسد !

دیارات: الصاع سلیقه عابد پیمان سویدن



[www.masjed.se](http://www.masjed.se)

۱۳۹۶

تتبع و نگارش:  
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و  
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

## خاطره: از ملاقات با رئیس جمهور سوریه حافظ الاسد!

در اواسط سال 1990م. با معیت محترم عبد الرحیم «هاتف» معاون رئیس جمهور وقت سفری به جمهوری عربی سوریه داشتم. در آن زمان حافظ الاسد زمام ریاست جمهوری کشور زیبا، تاریخی جمهوری عربی سوریه و زعامت حزبی، حزب عربی سوسیالیستی بعث (حزب البعث العربی الاشتراکی) را به عهده داشت.

در آن زمان سوریه از جمله کشورهای جنبش عدم انسلاک و هم پیمان اتحاد شوروی (روسیه) بود، و در جمله کشورهای عربی با افغانستان روابط دوستانه داشتند.

هدف سفر هیأت افغانی به سوریه طلب مساعدت از سوریه در تحکیم روابط افغانستان با جهان عرب و بخصوص کسب عضویت مجدد دولت افغانستان در کنفرانس کشورهای اسلامی بود. عضویت دولت جمهوری افغانستان در کنفرانس اسلامی به علت اشغال این کشور توسط روس ها، به حال تعلیق در آمده بود و کرسی افغانستان بصورت غیر رسمی به نمایندگان مجاهدین فعال اتحاد هفت گانه پشاور به مساعدت کشور عربستان و پاکستان تعلق گرفته بود.

بعد از وصول به شهر دمشق، ریاست تشریفات وقت ریاست جمهوری سوریه، زمان ملاقات را برای روز مابعدی برای مدت سی دقیقه تعیین، ساعت ملاقات و نوع تشریفات برای ما ابلاغ شد.

جناب عبدالرحیم هاتف که شخصیت متین، علمی و دانشمندی بود، صحبت های خویش را طوری تنظیم نمود که در مدت معین سی دقیقه تعیین شده باید به اتمام برسد. ما ساعت 14 بجه بعد از ظهر با بدرقه موتر های تشریفات که توسط موتر سیکل ها همراهی میشود به دفتر حافظ الاسد رئیس جمهور سوریه، که در جوار کوه مشهور شهر دمشق (جیل قاسیون) موقعیت داشت، انتقال داده شدیم. به سالون ملاقات رهنمایی شدیم و بعد از تقریباً 2 دقیقه حافظ الاسد در حالیکه کمی خسته به نظر میرسید به سالون تشریف آورد و از تأخیر چند لحظه ای در ملاقات مطابق پروتوکول عذر خواهی کرد.

ملاقات آغاز شد و بعد از تبادل کلمات معمول تعارفی و تشریفات جانب افغانی جناب عبدالرحیم هاتف در مورد هدف سفر خویش یکجا با پیام کتبی جلالتمآب دکتور نجیب الله رئیس جمهور افغانستان، بسیار دقیق فورمولبندی شده و بی نهایت عالی توضیحاتی را ارائه فرمود که توسط حافظ الاسد با دقت استماع و قول داد که در زمینه شخصاً اقدام و همین امشب با جناب حُسنی مبارک رئیس جمهور عربی مصر و رئیس کنفرانس اسلامی تماس خواهد گرفت. در ضمن به جناب فاروق شرع وزیر امور خارجه سوریه که او نیز در مذاکرات تشریف داشت، هدایت فرمود، تا در مورد با سایر کشور های عربی در تماس شده و از نفوذ خویش برای اعاده کُرسی کنفرانس کشورهای اسلامی به دولت افغانستان اقدام و اجراءات همه جانبه بعمل آرد.

بعد از ختم موضوعات که باید جانب افغانی برای جلالتمآب حافظ الاسد ارائه میداشت به اتمام رسید، و وقت ملاقات دقیق سی دقیقه به پایان خود میرسید، حافظ الاسد نامه دکتور نجیب الله را به رئیس دفتر خود داد و با اشاره برایش فهماند که میخواهد با جناب عبد الرحیم هاتف به ملاقات خویش ادامه دهد. از وضعیت طوری معلوم میشد که حافظ الاسد روانه مسافرت به ولایت لاذقیه محل زادگاه اش بود.

حافظ الاسد روی بطرف جلالتمآب هاتف صاحب نموده و ما را به ادامه نوشیدن چای دعوت کرد. ما هم احساس آرامش خویش را دوباره بدست آورده و با وجود ختم وقت رسمی ملاقات تفهیم شدیم که به وقت تعیین شده ملاقات اعتناء و توجه نه کنیم. در ضمن با علاقمندی سوال کرد که وضع امنیتی فعلی در افغانستان چطور است؟

آیا حکومت افغانی وارد افغانستان میتواند دفاع از خود را دارد؟

که از جانب افغانی، محترم عبدالرحیم هاتف با دقت و کوتاه جواب داده شد. از وضع اقتصادی سوال کرد و بعداً به سوال اصلی و دلخواه خویش که زیاد علاقمند بود، رفت و سوال کرد وضعیت مشاورین روس با حکومت چطور است؟

آیا روس ها در ادارت ملکی هم مشاورینی دارند؟  
شیوه کار شان در ادارات ملکی چطور است؟  
آنان از وضع کاری ادارات ملکی شما اطلاع دارند؟ به امور مملکت داری افغانها بلد هستند؟ و در نهایت به سوال اساسی خویش رفته و گفت تا کدام حد میتوان به روس ها اعتماد کرد؟  
در هر مورد از جانب هیأت افغانی، محترم عبدالرحیم هاتف معلومات دقیق و فورمولبندی شده بدون اضافه گوی ارائه گردید. ملاقات و صحبت ها طوری مهم و صمیمی و جالب برای حافظ الاسد بود که عینک کاری و قلم و دفتر یادداشت خویش را از سکرتر خویش خواست و شخصاً به نوشتن برخی از یادداشت آغاز کرد.  
او بر امانت داری و وفاداری روس ها مشکوک بود، و میخواست وفاداری روس ها را از زبان جانب افغانی و جناب عبدالرحیم هاتف بشنود.

جوابات و توضیحات هاتف صاحب بادر نظر داشت علمی بودنش، تمام تشویش حافظ الاسد را مرفوع ساخت.

ملاقات تقریباً یکساعت طول کشید، و فضای ملاقات و سوالات حافظ الاسد طوری بود، که هر دو جانب مجالی برای نوشیدن چای نیافتیم. حافظ الاسد خواستار هر چه بیشتری معلومات در مورد قوای روسی در افغانستان و بخصوص مشاورین روسی در افغانستان بود، و پیهم سوال بعد از سوال بعمل می آورد. او بیچاره احساس میکرد که در تاریخ کشورش روزی آمدنی است که پسر اش، بشار الاسد، رئیس جمهور فعلی جمهوری عربی سوریه، در خلال ملاقات رسمی رئیس جمهور روسیه، آقای پوتین در رمظهر کمره های تلویزیونی، توسط مشاورین روسی اش، با کش کردن وی به عقب مورد ذلت و اهانت قرار میگیرد. واقعاً تشویش آقای حافظ الاسد در مورد وفاداری روس ها به حق بود.

بلی این رویای حافظ الاسد فقید زمانی به حقیقت پیوست که بتاريخ 12. 12. 2017 زمانیکه ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به کشور سوریه سفر نمود و در جریان بازدید از سربازان خویش به میدان نظامی « الحمیمیم » ولایت لاذقیه که محل زادگاه بشار الاسد است و در شرق کشور سوریه موقعیت دارد، سفر داشت. بشار الاسد در کشور خود، و آنهم در زادگاه خویش توسط محافظین روسی توسط مسولین امنیتی و بادیکارد های آقای ولادمیر پوتین، مورد اهانت قرار میگیرد و از همراهی با پوتین منحیت یک رئیس جمهور با وضعیتی خلاف پروتوکول معمول تشریفاتی منع میگردد.

این کار اهانت امیز، مارا به تعمق و امیدارد که از آن باید امروز نیز آموخت، جایگاه خود و دیگران را شناخت و از خوشباوری های در زمینه که موجب سرافکنندگی تاریخی میشود، دوری جست. صفحات تاریخ ما ازین تجارب تلخ نیز دارد.

زمانیکه نواسه احمدشاه ابدالی بزرگ یعنی شاه شجاع به تاریخ ۱۸۰۸م برای کسب پشتیبانی انگلیسها در مقابل حملات احتمالی روسها به پیشاور میروند و چنین قرارداد را کسب میکنند اما در بازگشت به وطن در مدت کوتاه از قدرت سیاسی خلع و واپس با دارایی، زیورات و فامیل خویش به لاهور فرار میکند، در آنجا در ابتدا با اعزاز لازم از جانب پنجاب و رنجیت سنگ، متحد انگلیس روبرو میشود. اما دیری نه میگذرد که توهین و حقارت ها آغاز و تا اینکه خود رنجیت سنگ به دست خود، دست شاه شجاع را فشار داده و آلماس کوه نور را از نزدش با تمام حقارت و توهین به وی از نزدش به جبر اخذ میکند.

زمانیکه شهزاده عبدالرحمن خان، پسر سوم امیر افضل خان، نواسه امیر دوست محمد خان، برادرزاده امیر شیرعلیخان، حاکم اعلائی مقتدر صفحات شمال افغانستان و بعداً امیر اهنین افغانستان که با تمام وسایل مختلفین سیاسی و حاکمیت خود را سرکوب میکرد به مدت یازده سال در آسیا میانه،

تاشکند و ترکستان به سر میبرد. زمانیکه ابتداء مجبور به زندگی دور از وطن در خارج و متعلقات روسیه شوروی بود، حکام محل با وی روش مانند امیر و شهزاده خارجی داشتند، اما دیری نه گذشت که به حوالهء تاج التواریخ از امیر عبدالرحمن خان نیز مطالبه کردند که مانند سایر درباریان و اطرافیان حاکمیت به تعظیم و ارجمنداری حکام محل بپردازد .

چنین حالت وضع و دایرهء تحمل را بر امیر عبدالرحمن خان تنگ و وی را مجبور به دوری از حکام وقت کرد .

درس دیگر عبرتناک و پند برای ما مسلمانان درین نیز هست که پیامبر اسلام در ابتدا هجرت نه کرد. اولاً صحابهء کرام را قبلاً به مدینه (یثرب) اعزام کرد تا زمینهء حضور آنحضرت را به مدینهء منوره تنظیم کنند و بعد خود آنحضرت هجرت کرد و متصل آن پایه های نظام و حاکمیت اسلامی را در مدینهء منوره بنیاد نهاد .

یعنی اینکه پیامبر اسلام بعد از مبعوث شدن در تحت ادارهء حاکمیت غیر اسلامی زندگی نه کرده است .

و حال بیایم به موضوع حضور طویل المدت رهبران مطرح جهادی و غیر جهادی در کشور های دوست و دشمن و تأثیرات این حضور در تصمیم گیری های امروزی شان. بحث ایکه عمق و بعد قابل تعمق و بررسی جداگانه و جدی میطلبد .

الهی مارا از همچو بی عزتی نگاه داری امین یا رب العالمین .

قرآن عظیم الشان با چه زیبایی فرموده است :

**« قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَنْزِلُ مِنْ تَشَاءٍ ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ »** بگو: بار الهی تو دارند و مالک ملک هستی ، تو

صاحب فرمانروایی! به هر که خواهی ملک میدهی و از هر کس بخواهی ملک میگیری به هر کسیکه میخواهی عزت میبخشی و هر که را خواهی خوار می کنی، ( سر رشته) همه خیرات به دست توست و تو بر هر کاری توانایی کامل داری.

خواننده محترم، برادر و خواهر مسلمان و معزز!

اگر میخواهید که صاحب عزت باشید ، عزت را از الله (ج) بخواهید، زیرا الله (ج) مالک عزت

است ، نباید فراموش کرد که : انسان از پناه و تسلیم شدن کامل به الله (ج) میتواند به عزت واقعی

و حقیقی دست یابد.

و من الله التوفيق